

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی

از دیدگاه اسلام

(مطالعه موردی: کشورهای اسلامی)

حسین میسی



فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

تألیف: حسین میسمی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: بهار ۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۲۳-۴

ISBN: 978-600-5574-23-4

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

| | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : میسمی، حسین، ۱۳۶۱ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام مطالعه موردی: کشورهای اسلامی حسین میسمی. |
| مشخصات نشر | : تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸. |
| مشخصات ظاهری | : ۱۹۰ص. |
| شابک | : ۳۰۰۰۰ریال ۴-۲۳-۴-۵۵۷۴-۶۰۰-۹۷۸ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیبا |
| موضوع | : اسلام و اقتصاد |
| رده بندی کنگره | : ۱۳۸۸ م ۹۴/۷/۲ BP۲۳۰ |
| رده بندی دیویی | : ۳۹۷/۴۸۳۳ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۴۸۰۳۹۱ |

«فهرست مطالب»

| | |
|-------------------------------|----|
| سخن ناشر | ۷ |
| مقدمه دکتر صادق بختیاری | ۹ |
| مقدمه نویسنده | ۱۵ |

بخش اول:

فقر، نابرابری در آمدی و مولفه‌های سرمایه انسانی در اسلام

| | |
|---|----|
| فصل اول: فقر از دیدگاه اسلامی | ۲۱ |
| ۱. انواع فقر | ۲۵ |
| ۲. علائم فقر | ۲۷ |
| ۳. علل و عوامل فقر در آیات و روایات | ۲۸ |
| ۴. آثار فقر در آیات و روایات | ۳۰ |
| ۵. عوامل موثر در فقر | ۳۲ |
| ۶. راهکارهای مقابله با فقر | ۳۶ |
| فصل دوم: نابرابری در آمدی | ۳۹ |
| ۱. نابرابری در آیات و روایات | ۳۹ |
| ۲. نابرابری در دیدگاه متفکران اسلامی | ۴۱ |
| فصل سوم: دانش و سلامت در اسلام | ۴۵ |
| ۱. جایگاه و اهمیت دانش در آیات و روایات | ۴۶ |
| ۲. جایگاه و اهمیت بهداشت در آیات و روایات | ۴۷ |
| فصل چهارم: کار و تلاش در اسلام | ۵۱ |

۶- فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

۱. جایگاه و اهمیت کار و تلاش در قرآن ۵۲
۲. جایگاه و اهمیت کار و تلاش در کلام معصومین ۵۷
۳. کار و رشد فردی و اجتماعی ۶۰
۴. آثار و نتایج مادی و معنوی کار و بیکاری ۶۲
۵. بیکاری ۶۸
۶. سیره امامان معصوم در موضوع کار ۸۱

بخش دوم:

بررسی فقر، نابرابری و مؤلفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی

- فصل پنجم: نگاهی به وضعیت برخی از متغیرهای اقتصادی در گروه کشورهای اسلامی ۹۵
۱. بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره رونق (۲۰۰۳-۲۰۰۷) ۹۷
 - ۱-۱. چشم انداز کلی وضعیت گروه کشورهای اسلامی ۹۸
 - ۲-۱. ساختار اقتصادی گروه کشورهای اسلامی ۱۰۲
 - ۳-۱. تولید و رشد ۱۰۶
 - ۴-۱. تورم ۱۱۳
 - ۵-۱. صادرات و واردات ۱۱۶
 - ۶-۱. تراز تجاری، حساب جاری و ذخایر ۱۲۱
 - ۷-۱. دیون و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۲۵
- فصل ششم: بررسی تاثیر مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی ۱۳۱
۱. مروری مختصر بر ادبیات پژوهش در اقتصاد متعارف ۱۳۱
 ۲. مدل آماری شماره یک ۱۳۵
 ۳. مدل آماری شماره دو ۱۴۷
- فصل هفتم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۶۱
- ضمیمه آماری ۱۶۹
- منابع و مأخذ ۱۸۳

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

در این راستا، اثر حاضر از مجموعه مطالعاتی «اقتصاد اسلامی» تقدیم جامعه علمی کشور می‌شود. لازم به ذکر است که سیاست «موضوع محور نمودن» پژوهش‌های دانشگاه طی سه سال گذشته آثار و نتایج مبارکی در پی داشته که از آن جمله می‌توان به غنای موضوعی پژوهش‌های دانشگاه اشاره داشت. در قالب این سیاست، موضوعات با اولویت نخست شناسایی و از منظرهای مختلف علمی به بحث گذارده می‌شوند که «اقتصاد اسلامی» به دلیل کمبود متون تخصصی، نیاز فزاینده جامعه علمی و بویژه عملیاتی کشور، از جمله آنها می‌باشد.

ناشر بسیار خرسند است که اثری که از این مجموعه را در دستور نشر دارد و امیدوار است که بسته مطالعاتی ارائه شده که از حیث تعداد و محتوا در سطح کشور بی‌نظیر است، به همت سایر پژوهشگران تقویت شده و رشد مطالعات مالی اسلامی را در آینده نزدیک شاهد باشیم.

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه دکتر صادق بختیاری

یکی از مهمترین اهداف دین اسلام و بالتبع اقتصاد اسلامی برقراری عدالت است. در واقع دستیابی به عدالت اجتماعی-اقتصادی هدف اساسی دولت‌های اسلامی به حساب آمده و به عنوان شاخص فعالیت‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود. بدین معنی که اگر بخواهیم ارزیابی مناسبی از عملکرد دولت‌های مختلف داشته باشیم، حتماً باید میزان تحقق عدالت و شاخص‌های آن را مورد توجه قرار دهیم. همچنین بدیهی است که یکی از مولفه‌های عدالت اقتصادی-اجتماعی وضعیت توزیع درآمد و فقر می‌باشد. لذا نمی‌توان در حوزه اقتصاد اسلامی تئوری پردازی نمود اما به مباحث مرتبط با فقر و نابرابری توجه نداشت. از طرف دیگر تاکید دین اسلام بر ضرورت علم‌آموزی، آموزش، تحصیل، درآمدزایی و مباحث مرتبط با سلامت و بهداشت بر کسی پوشیده نیست. این تاکیدات در واقع بیانگر توجه این شریعت الهی به مباحثی است که امروزه از آن با سرمایه انسانی یاد می‌شود. بنابراین ضروری است که دولت‌های اسلامی تدابیری اتخاذ کنند که به تقویت

مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت (در گروه‌های پایین درآمدی) انجامیده و از این طریق به کاهش فقر و نابرابری کمک کند. مروری بر ادبیات توسعه نیز به وضوح نشان می‌دهد که یکی از اهداف توسعه اقتصادی، کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد است. به طوری که می‌توان ادعا کرد که توسعه کوشش مستمری برای کاهش یا رفع مشکلات و نابسامانی‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی یا بهبود شرایط مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. عوامل و علل توسعه متفاوت و متعدد هستند. تئوری‌ها و سیاست‌های توسعه در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عمدتاً بر بیشتر کردن نرخ رشد از طریق انباشت سرمایه استوار بود. این رویکرد ناشی از نیاز و شرایط کشورهای خاص (توسعه یافته) بود و نمی‌توانست مشکلات کشورهای در حال توسعه را که با کمبود سرمایه و مازاد نیروی انسانی غیر ماهر مواجهند، حل کند. از این رو، برخی از نظریه‌ها توجه خود را به نیروی انسانی و شرایط کشورهای در حال توسعه معطوف کردند. پس از آن در دهه ۱۹۹۰، رویکرد انسان محوری یا قابلیت انسانی به صورت یک رویکرد جدید توسعه معرفی شد.

در مورد فقر و نابرابری نیز بررسی تاریخی نکات جالب توجهی به دست می‌دهد. در واقع با شروع صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحاء افکار جوامع بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه را به خود مشغول کرد. این جوامع با توجه به سطح قرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با بهبود توزیع و ... درصد ارتقاء شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند. اما در بسیاری موارد خصوصاً در کشورهای جهان سوم به دلایل مختلف، گروه کثیری

از مردم از اثرات توزیعی راهبردهای رشد، برخوردار نشدند و این امر منجر به بروز شکافهای اقتصادی، اجتماعی و گسترش پدیده فقر گردید. در دهه ۱۹۹۰ راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد محور به راهبردهای فقرزدایی تغییر یافت؛ لذا این دهه، دهه جنگ با فقر نامیده شد.^۱ نظریات مختلفی در این دوران در ارتباط با چگونگی همسویی رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهت بهره‌مندی تمام اقشار جامعه از مواهب رشد مطرح گردید که هر یک ضمن ستایش نقش عدالت توزیعی در جامعه به بررسی تقدم و تأخر آنها پرداخته و سعی در تبیین الگویی برای نشان دادن رابطه این دو با یکدیگر داشتند.

با توجه به آنچه عنوان شد به نظر می‌رسد لازم باشد به روش‌هایی که جامعه را به سمت حل مشکل فقر و نابرابری هدایت می‌کند توجه کنیم. یکی از راه‌های دستیابی به این دو مهم، بهبود مولفه‌های سرمایه انسانی، از جمله سلامت و آموزش اقشار پایین درآمدی است. دلیل این امر آن است که این دو حوزه در فرآیند توسعه، دارای جایگاه بسیار مهمی می‌باشند و تقویتشان به توسعه پایدار کمک زیادی می‌کند. تقویت سلامت و تحصیلات افراد نه تنها بالذات دارای ارزش است، بلکه بالتبع و به دلیل تاثیراتی که در ارتقاء بهره‌وری دارد مطلوب است. بدین معنی که سلامت و آموزش بهتر، به تقویت بهره‌وری می‌انجامد و بهره‌وری بیشتر نیز منجر به بالا رفتن درآمد فرد گردیده و در نتیجه فرد را از فقر نجات می‌دهد. عواملی مانند سلامت (شامل تغذیه، بهداشت و غیره) و آموزش، که زندگی افراد را تحت تاثیر قرار داده و در آینده منافع ایجاد می‌کنند را اصطلاحاً «سرمایه انسانی» می‌نامند. باید توجه شود که عوامل

I. Johansen, I. (1993). "Poverty Reduction in East Asia", World Bank Dissuasion Paper.

مذکور (سلامت و آموزش) را می‌توان به عنوان کالاهایی معمولی^۱ و قابل مصرف^۲ در نظر گرفت. بدین معنی که هر چه درآمد فرد بیشتر باشد تقاضایش برای مولفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش بیشتر خواهد بود.

این تحقیق که در دو بخش نظری و تجربی تدوین شده است، موضوعاتی که در بالا مطرح شد را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش نظری، موضوع سرمایه انسانی را بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در کشورهای اسلامی مطرح می‌کند. در واقع سعی می‌کند تا اهمیت و تاثیرات مولفه‌های سرمایه انسانی را در متون اسلامی (آیات و روایات) و در دیدگاه متفکران اسلامی بررسی کند. ضمن بررسی مفصل، نشان می‌دهد که دین اسلام به تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی در بین مسلمانان توجه زیادی نموده است. متابعت از این دستورات منجر به دستیابی به رشدی همه جانبه خواهد شد؛ و مسلماً یکی از این جنبه‌ها، بعد اقتصادی است؛ که یکی از جلوه‌های مهم آن کاهش فقر و نابرابری در جامعه اسلامی می‌باشد. در واقع احادیث بسیاری که در مذمت فقر و نابرابری اجتماعی وارد شده است و همچنین روایاتی که در باب علم‌آموزی و دستورات بهداشتی ذکر شده، همگی حاکی از اهمیت این مباحث در اسلام می‌باشند. سیره پیامبر اسلام و ائمه هدی نیز شاهدی گویا بر این ادعاست. بنابراین به نظر می‌رسد اگر کشورهای اسلامی به مباحث مرتبط با سرمایه انسانی توجه کنند، می‌توانند برخی از مشکلاتی که در حوزه فقر و نابرابری دارند را حل نمایند.

1. normal goods
2. consumable

اما اگر نگاهی به وضعیت موارد مذکور در کشورهای اسلامی داشته باشیم، سریعاً متوجه می‌شویم آنچه که امروزه در کشورهای اسلامی وجود دارد، با آنچه که در متون اسلامی در باب فقر و نابرابری و همچنین آموزش و سلامت مطرح شده، فاصله زیادی دارد. واقعیت آن است که اکثر کشورهای اسلامی جزو کشورهای در حال توسعه به حساب آمده و مروری بر آمارهای بین‌المللی به وضوح نشان می‌دهد که فقر و نابرابری در این کشورها بالا بوده و شاخص‌های سرمایه انسانی پایین است. با توجه به آنچه که مطرح شد، سوالی که مطرح می‌شود آن است که برای بهبود وضع موجود چه کاری می‌توان انجام داد؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که اقدامات مختلفی باید به منظور اصلاح وضع موجود انجام شود. اما با توجه به تاکید قابل توجه مکتب اسلام بر مباحث مرتبط با سرمایه انسانی، مسلماً یکی از این اقدامات بهبود این نوع از سرمایه در کشورهای اسلامی است. در واقع می‌توان گفت که تقویت مولفه‌هایی مانند آموزش و سلامت، یکی از مواردی است که می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی کمک کند. برای اثبات این ادعا لازم است تاثیر مولفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری مورد بررسی قرار گیرد. این کار در بخش تجربی مقاله انجام می‌شود. بدین منظور از دو مدل اقتصادسنجی استفاده می‌شود. در واقع با استفاده از اطلاعات کشورهای اسلامی تاثیر مولفه‌های سرمایه انسانی بر فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های این مدل‌ها نشان می‌دهد که همان‌طور که انتظار می‌رفت، تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی اثر دارد. نتایج این بررسی توصیه‌هایی به دولت‌های این دسته از کشورها (که عموماً از کشورهای در حال توسعه‌اند) ارائه خواهد

۱۴- فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

کرد؛ به نحوی که بتوانند در راستای کاهش فقر و نابرابری درآمدی و دستیابی به عدالت، که خود از مهمترین اهداف اقتصاد اسلامی است، حرکت کنند.

دکتر صادق بختیاری

استاد اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه نویسنده

توسعه انسانی از جمله مباحثی است که در دوره اخیر مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است و ادبیات قابل توجهی در این مورد وجود دارد. از طرفی توجه قابل ملاحظه دین اسلام به انسان و نقش و اهمیت آن در فرآیند توسعه اسلامی، لزوم توجه به مولفه‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلامی را دوچندان کرده است. این تحقیق تا حدودی به این نیاز پاسخ می‌دهد. در واقع این تحقیق بحث مولفه‌های توسعه انسانی (آموزش، سلامت و غیره) را هم به لحاظ نظری و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی و هم به لحاظ تجربی و تأثیری که این مقوله در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای اسلامی دارد مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش اول تحقیق که قسمت نظری و مفهومی آن را تشکیل می‌دهد، مباحث مختلف از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کار ابتدائاً با بررسی موضوع فقر به لحاظ مفهومی و همچنین با در نظر گرفتن علل به وجود آمدن آن و همچنین آثار و نتایجی که در جامعه بر جای خواهد گذاشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن به بررسی موضوع نابرابری از دیدگاه اقتصادی اسلام می‌پردازیم. در این قسمت

ضمن تعمیق در آیات و روایات مرتبط، دیدگاه‌های متفکران اقتصاد اسلامی در دوره اخیر را نیز مورد واکاوی و موشکافی قرار می‌دهیم. پس از بررسی دو موضوع فقر و نابرابری، نوبت به بررسی مفهومی برخی مؤلفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش، سلامت و اشتغال از دیدگاهی اسلامی فرا می‌رسد. در این قسمت‌ها تلاش شده است تا جایگاه موضوع با استفاده مناسب از آیات و روایات مرتبط به درستی تبیین شده و تلاش شود چشم اندازی از تاکید و دقت نظر دین اسلام در رابطه با این مؤلفه‌ها ترسیم شود.

در بخش دوم تحقیق که بخش تجربی آن را تشکیل می‌دهد تلاش شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی مانند آموزش و سلامت در کشورهای اسلامی، موجبات کاهش فقر و بهبود وضعیت توزیع درآمد را فراهم می‌آورد یا نه. قبل از ارائه پاسخ به این سوال، لازم است نگاهی داشته باشیم به وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی. این شناخت از وضع موجود اقتصادی کشورهای اسلامی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از نتایج مدل‌های اقتصادسنجی تفسیر قوی‌تر و مناسب‌تری ارائه کنیم. پس از آنکه بررسی وضع موجود گروه کشورهای اسلامی در دوره اخیر در مقایسه با دیگر کشورها تبیین شد، زمان تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فرا می‌رسد. در این قسمت با توجه به ظرفیت‌ها و همچنین محدودیت‌های آماری، دو مدل اقتصادسنجی به منظور کشف تاثیرگذاری مؤلفه‌های سرمایه انسانی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی ارائه می‌گردد. در مدل اول که از اطلاعات ۴۰ کشور اسلامی بهره می‌برد، از روش حداقل مربعات در یک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده می‌شود. اما در مدل دوم از روش

ادغام داده‌ها (پنل دیتا) در ۳۹ کشور اسلامی (عضو سازمان کنفرانس اسلامی) و در ۸ دوره زمانی استفاده می‌شود. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که همان‌طور که انتظار می‌رفت، تقویت مولفه‌های سرمایه انسانی در کشورهای اسلامی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی اثر دارد. نتایج این بررسی توصیه‌هایی به دولت‌های این دسته از کشورها (که عموماً از کشورهای در حال توسعه‌اند) ارائه خواهد کرد؛ به نحوی که بتوانند در راستای کاهش فقر و نابرابری درآمدی و دستیابی به عدالت، که خود از مهمترین اهداف اقتصاد اسلامی است، حرکت کنند.

در اینجا لازم است از زحمات استاد محترم جناب آقای دکتر صادق بختیاری، به جهت راهنمایی و ارائه رهنمودهای لازم تشکر کنم. همچنین جا دارد از زحمات تمامی اساتید دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، که در موارد متعدد از توصیه‌هایشان بهره‌مند شدم، تشکر کنم.

با اینکه در انجام این تحقیق دقت زیادی به کار رفت و متن بازخوانی شد، اما مسلماً باز هم با اشکالاتی همراه است. لذا از کلیه خوانندگان محترم کتاب استدعا می‌کنم اینجانب را از نارسایی‌هایی که در آن مشاهده می‌فرمایند آگاه ساخته و از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند فرمایند. امید است تحقیق این کوچک‌ترین سرباز اقتصاد اسلامی، مورد رضای خلف صالح امام زمان (عج) و رهبر مسلمین جهان که همواره بر تئوری‌پردازی در حوزه علوم انسانی-اسلامی تاکید نموده‌اند، قرار گرفته و قدمی ولو ناچیز در راستای پیشرفت دانش اقتصاد اسلامی باشد. در پایان نیز این اثر را به تمامی شهدا و بالخصوص شهید

۱۸ - فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

بزرگوار آدینه محمد میسمی تقدیم می‌نمایم. روحشان شاد و راهشان پر
رهرو.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱

حسین میسمی^۲

تهران - پاییز ۱۳۸۸

۱. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
meisami@isu.ac.ir

بخش اول:

۸۰۳

فقر، نابرابری در آیدی و مولفه های سرمایه انسانی در اسلام

فصل اول: فقر از دیدگاه اسلامی

اسلام بر عدالت خواهی، رفع فقر و کاهش نابرابری به عنوان اهداف مهم دینی تأکید می‌کند. در تعالیم دینی، هدف ارسال انبیاء قیام به قسط معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا مردمان بر اساس عدالت زندگی کنند»^۱ (قرآن کریم، حدید، ۲۵). بنابراین، یکی از اهداف تشریح دین تحقق عدالت در جامعه است. عدالت و رفع فقر هدفی است که حکومت‌های دینی باید دنبال کنند. اما سوال این است که آیا اسلام افزایش رفاه گروهی را به قیمت کاهش سطح زندگی عده‌ای دیگر مجاز می‌داند؟ از دیدگاه اقتصاد اسلامی کاهش فقر و توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور ایجاد عدالت توزیعی در جامعه به عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مدنظر قرار گرفته است. یکی از ابعاد مهم وجود عدالت، توجه دولت اسلامی و مسلمانان به فقر است.

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ».

فقیر به مفهوم اسلامی به فردی گفته می‌شود که وضعیت زندگی‌اش با زندگی متعارف و متداول جامعه فاصله داشته باشد و به اصطلاح اندیشه اقتصادی اسلام، فقیر کسی است که حد «کفایت» نه «کفاف» برایش فراهم نیست. روشن است که حد کفاف، پایین‌ترین سطح از غذا، لباس و مسکن برای زندگی است که بدون آن‌ها نمی‌توان به زندگی ادامه داد. پس این حد کفاف، قابل کم کردن نیست و به واسطه تغییر قدرت خرید و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تغییر نمی‌کند. بر خلاف حد کفایت یا حد غنا؛ که سطح بالاتری از زندگی است و به همین دلیل سطح آن در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت می‌شود.

بررسی ادبیات اسلامی و متون روایی نشان می‌دهد که در رابطه با فقر و نابرابری روایات متعددی عنوان شده است، که لازم است به عنوان نمونه به چند مورد اشاره کرد. امام صادق (علیه السلام) - از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) - نقل کرده‌اند که: «نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد»^۱ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۷). در حدیث دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «فقر سخت‌تر از قتل است»^۲ (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۴۷، ص ۷۲). امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند: «به راستی که قبر از فقر بهتر است»^۳ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۱)؛ «فقر مرگ بزرگ است»^۴ (نهج البلاغه، ۱۳۶۵، ص ۵۰۱)؛ «فقر فراموشی می‌آورد»^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ص ۳۵۵)؛ «فقر موجب خواری

۱. «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا».

۲. «الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ».

۳. «الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ».

۴. «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ».

۵. «الْفَقْرُ يُنْسِي».

نفس انسان می‌شود^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ص ۳۷۷)؛ «همانا فقر دین انسان را ناقص می‌کند، عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است»^۲ (نهج البلاغه، ۱۳۶۵، ص ۵۷۸). بعضی از روایات نیز بر ضرورت توجه اغنیاء به فقرا تاکید می‌کنند. مثلاً امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اموال زیادی را که خداوند به شما داده، برای این است که در آن جهت و راهی که خداوند خواسته به کار برید، و نداده است که گنج و انباشته کنید»^۳ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۲).

با توجه به آنچه که مطرح شد می‌توان عنوان نمود که در دیدگاه اسلامی فقر در کل پدیده‌ای مذموم است و تمامی افراد و دولت در یک کشور اسلامی وظیفه دارند که در راستای کاهش فقر حرکت کنند. البته هیچ یک از این موارد به معنی برابری انسان‌ها در دستیابی به امکانات نیست. بلکه در دیدگاه اسلامی وجود تفاوت‌های منطقی و اختیاری، که ناشی از میزان استعداد و تلاش فرد است، مورد تایید است. در واقع میزان تلاش افراد مختلف در میزان بهره‌مندی آنان از منابع اثر دارد. زیرا کار، منشأ ایجاد حق برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است؛ یعنی حق بهره‌مندی از مواهب الهی با تکلیف کار، گره خورده است و حق استیفا و انجام تکلیف با هم تلازم دارد. رابطه غایی انسان با مواهب الهی سبب حق بالقوه انسان نسبت به مواهب الهی است که با انجام تکلیف و وظیفه (کار)، این حق فعلیت یافته، و انسان می‌تواند از مواهب الهی بهره‌مند شود (مطهری، ۱۳۶۱، صص ۱۹۱-۱۹۳).

۱. «إِنَّ الْفَقْرَ تَذَلُّهُ لِلنَّفْسِ».

۲. «فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّينِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَغْتِ».

۳. «إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجِّهُوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ، وَ لِمَ يَعْطَاكُمْوهَا لِتَكْتَزُوهَا».

پدیده فقر معضلی است که کلیه جوامع بشری در تمامی دوران تاریخ به نوعی با آن روبرو بوده‌اند. پدیدار شدن فقر به یکباره در یک مقطع خاص نبوده بلکه همزمانی فقر و غنا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، حاصل تدریجی نظام‌های موجود جوامع در طول تاریخ بوده است. این امر معضلات اجتماعی-اقتصادی مختلفی را برای جوامع به بار می‌آورد؛ زیرا این پدیده که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید می‌کند. این پدیده هنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، ریشه دوانده و به صورت یک فرهنگ تبدیل شده و به عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه تبدیل می‌گردد. در نظام‌های آرمان‌گرا، به ویژه کشورهای اسلامی، این مسئله در مقایسه با سایر کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ تا آنجا که در «قرآن» به دفعات بر رفع فقر تاکید شده و از عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی به عنوان یکی از اهداف اساسی نظام اسلامی یاد شده است.

تاریخ شاهد رشد اقتصادی در جهان بوده است، ولی فقر اقتصادی همچنان به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در زندگی بشر وجود دارد. وقتی که اقتصاد جهانی، به ویژه در طول دهه ۱۹۹۰، نرخ رشد بالایی را تجربه کرد، این پرسش مطرح شد که آیا رشد اقتصادی راهی موثر برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود؟ پاسخ‌ها و استدلال‌های ارائه شده در این رابطه را می‌توان در دو دسته طبقه بندی کرد. دیدگاه اول (که موسسات بین‌المللی نظیر بانک جهانی طرفدار آن بودند) بر این عقیده است که باید از سیاست‌های اقتصادی متمایل به رشد حمایت کرد تا فرصت‌های لازم برای افزایش درآمد فقرا به وجود

آید. اما در مقابل این دیدگاه، گروه دیگری عقیده داشته‌اند که رشد اقتصادی، به افزایش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی منجر می‌شود و افزایش نابرابری در توزیع درآمد، موجب کاهش فقر نمی‌گردد. طبق نظرات این گروه، تنها کاهش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی است که می‌تواند باعث کاهش فقر در کشورهای با درآمد پایین گردد. در قسمت‌های بعد در رابطه با نابرابری بیشتر توضیح می‌دهیم.

فقر به عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی و اقتصادی، به وجود آورنده بسیاری از معضلات موجود در جامعه است که خود ناشی از فقدان رشد و نابرابری می‌باشد. این پدیده به درجات گوناگون برای جوامع و اجتماعات مختلف صرف نظر از وفور منابع، سطح فن‌آوری، ساخت اجتماعی سبب نگرانی بوده است. درصد وجود فقر در هر کشوری به میزان مقابله و مبارزه مسئولان آن کشور با این درد خانمان سوز بر می‌گردد. رنج فقر بسیار سنگین است و شخص در مقایسه با دیگر افراد جامعه معمولاً مدت کمتری زندگی می‌کند و بر اثر سوء تغذیه و محرومیت از امکانات بهداشتی به کاستی‌های جسمی و فکری بیشتری مبتلا می‌شود، تحصیلات پایین‌تری دارد و در نتیجه موفقیت‌های کمتری به دست می‌آورد از ناملاپمات‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر آسیب می‌بیند.

۱. انواع فقر

از لحاظ ماهیتی می‌توان فقر را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. فقر مادی: فقر مادی به مفهوم عدم استطاعت مالی و فقدان امکانات مادی است، به گونه‌ای که طی آن گذران زندگی توأم با مشقت

باشد. از فقر مادی به عنوان فقر مالی نیز نام برده می‌شود. این فقر بر دو نوع است.

الف- فقر مطلق: فقر مطلق حالتی است که در آن نیازهای اساسی انسان تأمین نشود. در این حالت سلامتی و تداوم حیات فرد به دلیل عجز در تأمین خوراک، مسکن، پوشاک و درمان به مخاطره می‌افتد.

ب- فقر نسبی: این حالتی است که در آن نیازهای اساسی فرد تأمین شده باشد. لکن مانند سایر افراد برخوردار از امکانات رفاهی و معیشتی نباشد. به عبارت دیگر فقر نسبی وضعیتی است که در آن سطح زندگی فرد پایین‌تر از متوسط سطح زندگی جامعه باشد.

۲. فقر معنوی، به مفهوم عدم استطاعت فکری، روانی و روحی است گاهی اوقات از فقر معنوی به عنوان فقر فرهنگی هم نام برده می‌شود. فقر اعم از این که مادی باشد یا معنوی می‌تواند جنبه دائمی داشته باشد و یا جنبه موقت به خود بگیرد. مثلاً ممکن است افرادی باشند که در طول زندگی خود همواره فقیر باشند و حتی فقر را به اخلاق خود هم منتقل نمایند. از طرفی فقر موقتی حالتی از فقر است که پایدار نیست و ممکن است زاییده بلایای طبیعی و یا مسایلی نظیر جنگ و بحران باشد. همچنین فقر ممکن است جنبه عمومی داشته باشد و یا به صورت محدود و موردی نمایان گردد. در فقر عمومی همه افراد جامعه به استثنای عده کمی مبتلا به فقر می‌شود. فقر عمومی نمودی از عقب ماندگی و عدم توسعه یافتگی جامعه است. لیکن در فقر موردی، عده معدودی در جامعه به فقر مبتلا می‌شوند؛ بنابراین در هر جامعه‌ای توزیع فقر در جامعه محصور به فقرموردی و فقر عمومی است. معمولاً در کشورهای پیشرفته اگر فقر وجود داشته باشد جنبه موردی دارد ولیکن

در جامعه عقب افتاده و توسعه نیافته فقر توده‌های مختلفی از مردم را در بر می‌گیرد و تقریباً فراگیر است.

۲. علائم فقر

۱. رژیم غذایی نامناسب: تغذیه مهم‌ترین عامل تندرستی و ادامه حیات انسان است. کالری موجود در غذاهای مصرفی معیار خوبی برای ارزیابی رژیم غذای افراد است. بنابراین سوء تغذیه در گروه‌های فقیر پدیده رایجی است و به عنوان یکی از علائم سلامتی انسان را تهدید می‌کند. از این رو در پی سوء تغذیه تقاضا برای دارو و درمان در جامعه افزایش می‌یابد. با توجه به این مطلب می‌توان نظام غذایی نامناسب را شاخصی برای وجود فقر در نظر گرفت.

۲. مسکن نامناسب: اگر خانواده‌ای از مسکن مناسب برخوردار نباشد، از این لحاظ فقیر به حساب می‌آید. نشانه‌های فقر از نقطه نظر مسکن عبارت است از: نداشتن مسکن، تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، نداشتن آب و برق در واحدهای مسکونی، سکونت غیر قانونی در حواشی شهرها و...

۳. فقدان بهداشت لازم: عدم دسترسی افراد (به دلایل مالی یا به هر دلیل دیگر) به مراکز بهداشتی یکی از علائم فقر است.

۴. جمعیت بیش از اندازه زیاد خانواده: جمعیت زیاد در خانواده، هزینه‌های زندگی را افزایش می‌دهد. از این رو خانوارهای پرجمعیت با درآمد پایین و متوسط در تأمین نیازهای مصرفی و مسکن دچار تنگناهای مالی می‌شوند.

۵. سواد و تحصیلات پایین: سواد پایین معمولاً در نتیجه عدم استطاعت مالی یا فقر فرهنگی است. در هر صورت اگر شخص فاقد

تحصیلات مورد نیاز برای زندگی در جامعه و اجتماع باشد از این لحاظ فقیر است.

۶. ثروت کم و درآمد پایین: در تعریف فقر و شناسایی افراد فقیر ثروت و درآمد هر دو مورد توجه می‌باشند. چون ممکن است فردی ثروتمند باشد، لیکن درآمد ماهیانه پایینی داشته باشد و یا بالعکس. بنابراین اگر ثروت و درآمد ماهیانه فردی از یک حدی کمتر باشد، فرد فقیر محسوب می‌شود.

۳. علل و عوامل فقر در آیات و روایات

از قرآن و روایات استفاده می‌شود عوامل متعددی در پیدایش و استمرار فقر در جوامع انسانی نقش دارد. برخی از این عوامل اختیاری و ارادی و برخی غیر اختیاری است، چنان که برخی مربوط به جامعه و برخی مربوط به فرد است.

۱. عوامل فردی

۱-۱. بیکاری و تن پروری: بر اساس تعالیم اسلام، سنت خداوند بر آن است که انسان‌ها با کسار و تلاش روزی خود را به دست آورند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «خداوند کسی است که زمین را برای شما رام کرد، پس در اطراف آن حرکت کنید و از روزی‌های خداوند بخورید.»^۱

۱-۲. مصرف گرایی: مردم برای ادامه حیات نیازمند مصرف کالاها و خدمات هستند و طبیعی است این مصرف اگر متناسب با درآمد و برای هدف تأمین نیازهای حقیقی باشد، هیچ فرد و جامعه‌ای دچار فقر و عقب ماندگی نمی‌شود. ولی زیاده‌روی و بی‌برنامه‌گی در مصرف

خصوصاً رواج اسراف و تبذیر و فرهنگ مصرف‌گرایی به سرعت توان اقتصادی را تحلیل برده، عامل گسترش فقر و فاصله طبقاتی می‌گردد. از این رو در اسلام با مصرف‌گرایی و اسراف شدیداً مبارزه شده است. مثلاً قرآن کریم اسراف‌کنندگان را برادران شیطان خوانده و می‌فرماید: «بدرستیکه اسراف‌کنندگان برادران شیطان‌اند و شیطان نسبت به پروردگارش کفران نمود»^۱.

۱-۳. سوء‌تدبیر و عدم رعایت اقتصاد: ایجاد تناسب بین هزینه‌ها و درآمدها و تنظیم آن‌ها بر اساس اولویت‌ها و ضرورت‌ها بر هر فرد و خانواری ضروری است. چه بسا غفلت از برنامه‌ریزی صحیح، خلل‌هایی در زندگی به وجود می‌آورد که به سادگی قابل جبران نیست. گاهی نیازهای ضروری و مهم برآورده نمی‌شود در مقابل درآمد صرف چیزهایی می‌شود که اهمیت ندارد. امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «اسراف و زیاده‌روی موجب فقر و نیازمندی است و اقتصاد و میانه‌روی مایه دولت و بی‌نیازی است.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۷).

۲. ساختار نامطلوب نظام اقتصادی

یکی از مهم‌ترین عوامل فقر و بدبختی گروهی از انسان‌ها و به وجود آمدن تضاد طبقاتی، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع و وجود روابط ظالمانه بین افراد است. در طول تاریخ نظام‌های اقتصادی غیر الهی که عمدتاً مطابق خواست ثروتمندان شکل گرفته، از جهات مختلف زمینه فقر و تنگدستی اکثریت و ثروت انبوه اقلیت را فراهم نموده است. نظام اقتصادی اسلام با شناسایی این جهات به مبارزه پی‌گیر با آن‌ها می‌پردازد.

۱. «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا».

۴. آثار فقر در آیات و روایات

۱. فقر، موجب کفر: امام صادق (ع) - از رسول اکرم (ص) - نقل کرده‌اند که: «کادالفقر یكون کفرا» یعنی «نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد»^۱. همچنین حضرت علی (ع) فرمودند: «الفقر طرف من الکفر». یعنی «فقر طرفی از کفر است»^۲.

۲. فقر، موجب ضعف و نقصان در دین: حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) فرمودند: «یا بنی من ابتلی بالفقر ابتلی باریع خصال... والنقصان فی عقله». یعنی «فرزند عزیزم هر کس که به فقر مبتلا گشت به چهار خصلت مبتلا می‌گردد که یکی از آنها کمبود از نظر عقل است»^۳.

۳. فقر، موجب ضعف در یقین: علی (ع) فرمودند: «من ابتلی بالفقر ابتلی... بالضعف فی یقینه». یعنی «کسی که مبتلا به فقر شد، مبتلا به ضعف در یقین نیز می‌گردد»^۴.

۴. فقر، موجب سلب شخصیت آدمی: علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) فرمودند: «یا بنی الفقیر حقیر» یعنی «ای فرزندم کسی که فقیر و تنگدست است، خوار و کوچک است»^۵.

۱. اصول کافی: ج ۲، ص ۴۱۷

۲. بحار الانوار: ج ۷۲، ص ۲۹

۳. بحار الانوار: ج ۷۲، ص ۴۸

۴. بحار الانوار: ج ۷۳، ص ۴۷

۵. بحار الانوار: ج ۷۳، صص ۴۷-۴۸

فصل اول: فقر از دیدگاه اسلامی ۱۱ تا ۳۱

۵. فقر، موجب پریشانی فکر: علی (علیه السلام) فرمودند: «ان الفقر... مدهشه للعقل» یعنی «همانا فقر و تهیدستی باعث تحقیر و پریشانی عقل و فکر می‌گردد»^۱.
۶. فقر، موجب خواری: علی (علیه السلام) فرمودند: «ان الفقر مذله للنفس». یعنی «به درستی که فقر، ابزار خواری نفس است»^۲.
۷. فقر، موجب بی‌آبرویی: علی (علیه السلام) فرمودند: «من ابتلی بالفقر ابتلی... بقله الحياء فی وجهه». یعنی «کسی که به فقر مبتلا گشت به کمی حیاء و آبرو نیز مبتلا می‌گردد»^۳.
۸. فقر، موجب نقصان عقل: علی (علیه السلام) فرمودند: «یا بنی من ابتلی بالفقر ابتلی بالنقصان فی عقله». یعنی «ای فرزندانم کسی که دچار فقر شد، دچار نقصان در عقل می‌گردد»^۴.
۹. فقر، موجب ناامیدی و سستی اراده: علی (علیه السلام) فرمودند: «و ان افتقر قنط و وهن». یعنی «اگر فقیر شود، نومید و سست می‌گردد»^۵.
۱۰. فقر موجب انزوا: علی (علیه السلام) فرمودند: «الغنی فی الغربه و وطن و الفقر فی الوطن غربه». یعنی «بی‌نیازی در غربت وطن است و نیازمندی در وطن غربت است»^۶.

۱. بحارالانوار: ج ۷۳، ص ۴۸

۲. شرح غرالحکم ودررالکم: ج ۲، ص ۴۹۸

۳. بحارالانوار: ج ۷۳، صص ۴۸-۴۷

۴. بحارالانوار: ج ۷۲، صص ۴۷-۴۸

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار ۵۵

۶. نهج البلاغه، کلمات قصار ۵۶

۳۲- فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام

۱۱. فقر، موجب عدم دفاع از حق خود: علی (علیه السلام) فرمودند: «الفقر یخرس الفطن عن حجته». یعنی «فقر شخص زیرک را از بیان دلیلش گنگ می‌سازد»^۱.

۱۲. فقر، موجب فراموشی: علی (علیه السلام) فرمودند: «الفقر ینسی». یعنی «فقر فراموشی می‌آورد»^۲.

۱۳. فقر، موجب افزایش خطاها: علی (علیه السلام) خطاب به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «لا تلم انسانا یطلب قوته، فمن عدم قوته کثر خطایاه» یعنی «ای فرزندم انسانی را که بدنبال بدست آوردن قوت و غذای خویش است سرزنش نکن؛ زیرا کسی که قوت و غذایش فراهم نباشد، خطا و لغزشش زیاد است»^۳.

۱۴. فقر، موجب حزن: علی (علیه السلام) فرمودند: «الفقر احزان». یعنی «نداری اندوه است»^۴.

۱۵. فقر، موجب خشم و غضب: علی (علیه السلام) فرمودند: «فان الفقر داعیه للمقت» یعنی «همانا فقر باعث خشم و غضب است»^۵.

۵. عوامل موثر در فقر

از جمله این عوامل می‌توان موارد ذیل را عنوان کرد:

۱. پایین بودن درآمد سرانه: درآمد سرانه که حاصل تقسیم درآمد ملی یک کشور بر جمعیت آن کشور است، تا حدود زیادی وضعیت رفاه

۱. نهج البلاغه: کلمات قصار ۳

۲. شرح غررالحکم ودررالکم: ج ۱، ص ۱۵

۳. بحارالانوار: ج ۷۲، صص ۴۸-۴۷

۴. شرح غررالحکم ودررالکم: ج ۱، ص ۲۸، حدیث ۷۷

۵. نهج البلاغه: کلمات قصار ۳۱۹

نسبی را در جامعه نشان می‌دهد. اگر در یک کشور نرخ رشد درآمد سرانه بیش از نرخ رشد تورم باشد این مطلب بیانگر افزایش رفاه مردم در آن کشور است و بالعکس آن، نشان دهنده کاهش رفاه و تقریب به سمت فقر است. پس پایین بودن درآمد سرانه در افزایش فقر اثر مستقیم دارد.

۲. توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد: اگر ثروت‌های موجود در یک جامعه مخصوصاً منابع طبیعی در اختیار گروه‌های خاصی قرار گیرد و همچنین روش توزیع درآمد عادلانه نباشد، بسیاری از مردم در تنگنای مالی قرار می‌گیرند و فاصله طبقاتی افزایش می‌یابد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه توانگری از حق او خود را به نوای رساند». از این رو نابرابری خود عاملی بر افزایش فقر است.

۳. تورم بالا: تورم بالا خطرات زیادی برای اقتصاد یک جامعه به دنبال دارد. مخصوصاً اینکه توزیع درآمد را در جامعه به سمت بی‌عدالتی تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر تورم شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد. بنابراین تورم به نفع افرادی است که توان مالی بالایی دارند. زیرا تورم درآمد آنان را بیش از هزینه‌هایشان افزایش می‌دهد. از این رو تورم برای عده‌ای مثل یارانه است و برای عده‌ای دیگر مثل مالیات عمل می‌کند و بنابراین بر فقر اثر دارد.

۴. ساختار مالیاتی نامناسب: ساختار مالیاتی کشور اگر به گونه‌ای نباشد که مالیات از دارندگان درآمدها و ثروت‌های کلان اخذ و به خزانه دولت واریز شود، اولاً شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد و دوم اینکه دولت نمی‌تواند به اندازه کافی درآمد مالیاتی تحصیل کند. از این رو در

رسیدگی و کمک به فقرا ناتوان می‌ماند. از طرفی اگر در ساختار مالیاتی جامعه، معافیت‌هایی شامل اقشار ضعیف و آسیب پذیر نشود، علایم فقر نمایان می‌گردد.

۵. بیکاری: بیکاری یکی از عوامل مهم در ایجاد و تشدید فقر است. تداوم بیکاری و کم‌کاری منجر به کسالت و تنبلی افراد جامعه می‌شود و از پیامدهای سوء آن فقر و تهیدستی است.

۶. ضعف مدیریت اقتصادی: فقدان مدیریت قوی در امور اقتصادی جامعه یکی از علل ایجاد فقر است^۱. به دلیل اینکه ضعف مدیریت اقتصادی در یک جامعه، منجر به بروز پدیده‌های نامطلوبی نظیر تورم بالا، رکود، بیکاری، بازار سیاه و... در آن جامعه می‌شود و هر یک از این پدیده‌ها به تنهایی می‌تواند زمینه ساز فقر باشد.

۷. معضلات اجتماعی: این معضلات زمینه ساز فقر در جامعه هستند. از جمله می‌توان موارد ذیل را عنوان نمود:

الف) فساد اداری. فساد اداری عبارت است از استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری و یا نفوذ سیاسی. اختلاس و ارتشاء دو مورد از مصادیق فساد اداری هستند^۲. فساد اداری به هر شکلی که انجام شود موجب تضییع حقوق افرادی خاص یا بیت‌المال می‌شود. این معضل اگر فراگیر باشد زمینه فقر افرادی که حقوق آنان تضییع شده است، فراهم می‌آید. فساد اداری نه تنها از جهت بی‌عدالتی اداری و تضییع حقوق افراد، بلکه از نظر رشد و توسعه اقتصادی نیز به جامعه لطمه می‌زند.

ب) فساد عمومی، فساد عمومی عبارت است از انواع کجروی‌ها نسبت به هنجارهای قانونی و نرم‌های پذیرفته شده در جامعه. این فساد

۱. ستوده: هدایت... روان‌شناسی جنایی، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۶

۲. حبیبی: نادر - فساد اداری، انتشارات وثقی، ۱۳۷۵

دارای مصادیق متعددی است. از جمله: اعتیاد، سرقت، تهمت، تعدی، و... برخی از موارد فساد عمومی زائیده فقرند و می‌توانند موجب فقیر نیز باشند. مثلاً اعتیاد در هر جامعه‌ای به عنوان یکی از موارد مهلک و مخرب فساد عمومی محسوب می‌شود. بنابراین اعتیاد یکی از عوامل ایجاد فقر است و بالعکس فقر هم می‌تواند اعتیاد آور باشد. اعتیاد به عنوان یک بیماری اجتماعی، عوارض جسمی و روانی فراوانی به دنبال دارد. به همین جهت موجب افزایش تقاضا برای دارو و درمان می‌شود.

ج) تبعیض: تبعیض به مفهوم فرق گذاشتن بین افراد به منظور اهدای امتیاز، انتخاب، استخدام، کمک مالی، توجه ویژه و... بدون در نظر گرفتن استحقاق قانونی و واقعی آنان است. بنابراین تبعیض حق را پایمال می‌کند و معمولاً از موارد فساد اداری است. لیکن گاهی اوقات ممکن است مصداقی از فساد عمومی باشد به هر حال تبعیض به عنوان یک پدیده ناروا هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ شرعی مورد تحریم است. تبعیض یک فعل عمومی به حساب می‌آید و علل آن به مسائلی نظیر نسبت‌های دوستی و فامیلی، گروه‌گرایی، نفع‌طلبی و... برمی‌گردد. در هر جامعه‌ای تبعیض به عنوان یک آسیب اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فقر باشد. بنابراین در دستگاه‌های قضایی و نظارتی در مبارزه با تبعیض و فساد وظایف سنگینی برعهده دارند. البته مردم هم باید این دستگاه‌ها را در شناسایی و معرفی تبعیض و فساد حمایت کنند. رسانه‌های دیداری و شنیداری در اطلاع‌رسانی به مردم در رابطه با قباحت تبعیض و فساد نقش مؤثری دارند. به طور کلی فقر، فساد و تبعیض به عنوان سه مقوله مرتبط با هم اوضاع و احوال اجتماعی یک جامعه را با بحران مواجه می‌کند و هر جامعه‌ای کم و بیش متأثر از این سه مقوله است. در این راستا همایش‌ها و سخنرانی‌های